

تحلیل کیفی رابطه ایمان و عمل در تحقق رستگاری از منظر قرآن و نهج البلاغه

زکریا فصیحی^۱ | سید محمد عالمی^۲

چکیده

ایمان نقطه آغازین سیر معنوی انسان و بنیان رستگاری او است؛ اما فرایند حرکت از ایمان ابتدایی تا رسیدن به مراتب عالی کمال و سعادت، با چالش‌های معرفتی و عملی متعددی همراه و مواجه است. این تحقیق در پی آن است که نسبت و رابطه ایمان و عمل بر اساس آیات قرآن کریم و گزیده بی از نهج البلاغه، بررسی کند و شرایط منجر شدن یک باور قلبی را به رستگاری انسان نشان دهد. سؤال اصلی تحقیق این است که راه رسیدن به رستگاری از منظر قرآن و نهج البلاغه چیست؛ ایمان یا عمل یا هر دو، با چه شرایطی؟ روش تحقیق در این نوشتار، تحلیل محتوا از نوع کیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. یافته نشان می‌دهد که ایمان وقتی به سعادت و رستگاری انسان می‌انجامد که با تبعیت آگاهانه از آموزه‌های دینی همراه باشد. قرآن و نهج البلاغه این آموزه‌ها و راه‌های تبعیت از آن‌ها را برای مؤمنین نمایانده است. ایمان از منظر قرآن و نهج البلاغه از سنخ باور است؛ اما باوری که باید به گونه‌ای جان و دل رسوخ کند که باعث التزام عملی مؤمن به لوازم آن شود.

کلیدواژه‌ها: رابطه ایمان و عمل، مصداق رستگاری، کمال معنوی، عوامل رستگاری، قرآن و نهج البلاغه

۱. دکتری جریان‌های کلامی معاصر، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: zfs110110@gmail.com | اورکید: ۱۲۵۹-۸۲۳۵-۰۰۰۷-۰۰۰۹

۲. دکتری کلام اسلامی، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان
sm.alemi56@gmail.com

مقدمه

موضوع رستگاری انسان، از بنیادی‌ترین دغدغه‌های الهیات و انسان‌شناسی دینی است. رستگاری از منظر قرآن کریم و نهج‌البلاغه، غایت نهایی حیات انسانی و ثمره ایمان و عمل صالح او است. با این حال، نسبت میان ایمان و عمل در تحقق این غایت، همواره از مباحث چالش‌برانگیز تفکر اسلامی بوده است؛ اما قرآن کریم در آیاتی که با خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آغاز می‌شود، مؤمنان را به کنش‌های عینی چون انفاق، صبر، اطاعت و تقوا فرامی‌خواند. این ساختار زبانی، نشان‌دهنده آن است که عمل، در عین تمایز از ایمان، نتیجه و مقتضای طبیعی آن است و این یعنی ایمان بدون عمل، حقیقتی ناقص و ایستا باقی می‌ماند و تنها با تحقق رفتاری، معنا و اثر خود را آشکار می‌سازد.

پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی و بر پایه داده‌های قرآنی و فرازهایی از نهج‌البلاغه، در پی آن است که ضمن تبیین تفکیک مفهومی ایمان و عمل، نسبت تأثیرگذاری آن‌ها را در تحقق رستگاری دنیوی و اخروی انسان نشان بدهد. در این راستا، آیات خطاب‌شده به مؤمنان و گزاره‌های انتخابی از نهج‌البلاغه، به‌منزله داده‌های اصلی، تحلیل شده‌اند تا روشن شود که ایمان، حقیقتی معرفتی و قلبی است و رستگاری جز در پرتو التزام عملی و اخلاقی به آن، تحقق نمی‌یابد؛ زیرا از منظر قرآن و نهج‌البلاغه، ایمان به‌عنوان پیش‌فرض درونی و عمل به‌عنوان فرمان الهی برای تحقق آثار ایمان مطرح است. این تمایز مفهومی در عین پیوند وجودی، نشان می‌دهد که ایمان بدون التزام عملی، ناقص و بی‌ثمر است.

درباره مفهوم ایمان به لحاظ معناشناختی چهار نکته وجود دارد: ۱. فاعل ایمان، ۲. متعلق ایمان، ۳. فعل ایمان، ۴. صور تجلی آن. فاعل ایمان، عبارت است از سؤال درباره شخصی که ایمان می‌آورد و موضوع این بخش از بحث آن است که: «مؤمن حقیقی کیست؟ زاویه دوم مشخص می‌کند که «مؤمن حقیقی به چه امری باید ایمان داشته باشد؟» در زاویه سوم بحث به ساختار درونی خود فعل «ایمان» پرداخته می‌شود و این سؤال مطرح می‌شود که «ایمان داشتن چیست؟» زاویه چهارم نیز ناظر به اعمالی است که انتظار می‌رود از ایمان باطنی، به‌عنوان تجلیات طبیعی آن صادر شود سؤالی که در این قسمت از بحث



مطرح می‌شود این است که: «آیا «عمل» جزء لازم ایمان است یا خیر؟ (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۳). در این تحقیق ارتباط این چهار محور بررسی می‌شود. به این معنا که با شواهدی از قرآن و نهج البلاغه، عمل جزء لازم ایمان نیست، اما باعث تقویت / تضعیف ایمان می‌شود (محور ۴). بنابراین مؤمن حقیقی (محور ۱) کسی است که با باور (محور ۳) به خداوند و... (محور ۲) و با عمل به مقتضای آن باور (محور ۴)، به رستگاری می‌رسد.

۱. مفاهیم

۱-۱. معنای ایمان

ایمان از ریشه ثلاثی «أَمِنَ يَأْمُنُ أَمْنًا» مشتق شده و بر آرامش، اطمینان قلبی و زوال ترس دلالت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰). از این منظر، می‌توان ایمان را در سطح لغوی حالتی از اطمینان و آرامش دانست که انسان را از تردید و اضطراب در امان نگه می‌دارد. فعل مزید آن، «أَمَنَ يَوْمِنُ إِيْمَانًا» بسته به ساخت نحوی و نوع مفعول، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. اگر به حرف «باء» یا «لام» متعدی شود، اغلب به معنای «تصدیق» به کار می‌رود؛ چنان‌که کاربرد مُؤْمِن در آیه «وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا» (یوسف: ۱۷) به معنای «مُصَدِّق» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸، ۳۸۹)؛ اما اگر فعل ذاتی متعدی نباشد، معنای آن نزدیک به «اطمینان یافتن»، شبیه فعل ثلاثی مجرد «أَمِنَ» است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱، ۱۳۵).

در اصطلاح کلامی، ایمان مفهومی جامع‌تر دارد؛ چنان‌که برخی تعاریف آن را «اظهار خضوع و قبول شریعت و نسبت به آنچه پیامبر^(ص) آورده است، همراه با اعتقاد و تصدیق قلبی» دانسته‌اند. لذا کسی که واجد این وصف باشد، مؤمن مسلم و خالی از تردید و شک معرفی می‌شود؛ شخصی که تکالیف و فرائض را واجب می‌داند و در انجام آن‌ها هیچ شبهه‌ای ندارد (مهنا، ۱۴۱۳: ۱، ۴۶). بر پایه این تعریف، ایمان عبارت است از پذیرش درونی و خضوع در برابر شریعت و پیام الهی، همراه با تصدیق قلبی نسبت به حقیقت آن. «سرّ اطلاق ایمان بر عقیده آن است که مؤمن اعتقاد خود را از ریب، اضطراب و شک، که آفت اعتقاد است، می‌رهاند و آن را اِیْمَن می‌کند. از این رو رسوخ و استقرار عقیده در



قلب را ایمان می‌گویند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۵۶-۱۵۷). توشی هیکو ایزوتسو در جمع‌بندی یک تحلیل معناشناسی از آیه و وحی، می‌گوید: «خدا آیه را فرو می‌فرستد، واکنش انسان چنان است که یا آن آیه را می‌پذیرد و حق می‌شمارد (تصدیق)، یا به‌عنوان اینکه باطل است، منکر آن می‌شود (تکذیب)؛ اولی طبیعتاً به ایمان می‌انجامد و دومی به کفر» (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۷۷-۱۷۸). این یعنی بر مبنای تحلیلات معناشناسی ایشان از واژه‌های قرآنی، ایمان همان پذیرش و تصدیق متعلق ایمان (آیه یا محتوای آیه) است.

۲-۱. معنای رستگاری

آنچه در فارسی رستگاری معنا می‌کنیم، در قرآن در قالب دو واژه آمده که در ادامه تعریف و تبیین می‌شود:

الف. فلاح: واژه «فَلَح» در لغت و کاربرد قرآنی، مفهومی گسترده دارد که از «شکافتن» تا «پیروزی و رستگاری» را دربر می‌گیرد. الْفَلَح به معنای پیروزی، نجات و بقا در خیر آمده است» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲، ۴۰۱). (الْفَلَاحُ: الفوز و النجاة و البقاء فی النعم و الخیر. إِنَّمَا قِيلَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ مُفْلِحُونَ لِفَوْزِهِمْ بِبَقَاءِ الْآبَدِ) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲، ۵۴۷). راغب اصفهانی نیز ریشه این واژه را به معنای «شکافتن» دانسته و میان معنای حسی و معنوی آن پیوند برقرار کرده است: «همان‌گونه که کشاورز زمین را برای رویش می‌شکافد، انسان مفلح نیز راه خیر و رستگاری را می‌گشاید» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۴). در قرآن کریم، واژه «فلاح» و مشتقات آن برای اشاره به رستگاری مؤمنان به‌کار رفته است. کسانی که به فلاح می‌رسند (مفلحون)، کسانی هستند که ایمان آورده و در راه خدا با جان و مال تلاش کرده‌اند؛ خیرات و سعادت ابدی نصیب اینان می‌شوند (توبه: ۸۸). همچنین کسانی که کفه اعمال نیکشان در آخرت سنگین باشد، رستگاران محسوب می‌شوند (مؤمنون: ۱۰۲) و مؤمنانی که در برابر فرمان خدا و پیامبر تسلیم و مطیعند، رستگار شناخته شده‌اند (نور: ۵۱).

ب. فوز: واژه «فوز» در لغت به معنای ظفر، نجات و کامیابی آمده است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۹، ۹۸). این واژه بر دستیابی به خیر، رهایی از شرّ و رسیدن به مقصود با سلامت و آرامش دلالت دارد (فراهِیدی، ۱۴۰۹: ۷، ۳۸۹). کاربرد قرآنی واژه «فوز» ریشه



در معنای لغوی آن دارد؛ اما در سطحی متعالی و وجودی تر به کار رفته است. این واژه در قرآن کریم، مفهومی مرتبط با رضایت الهی، ورود به بهشت و رهایی از عذاب، و بیانگر غایت رستگاری انسان در مسیر ایمان است. لذا در ترکیب‌هایی چون الفوز العظیم، الفوز المبین و الفوز الکبیر آمده و مرتبه نهایی سعادت مؤمنان را نشان می‌دهد (مائده: ۱۱۹؛ جاثیه: ۳۰؛ توبه: ۷۲؛ بروج: ۱۱). مصطفوی می‌نویسد: «ریشه فَوْز بر مفهوم رهایی از شرور و دست‌یافتن به خیر و صلاح دلالت دارد. این دو قید موجب می‌شود که معنای آن از واژگانی چون نجات، ظفر و صلاح متمایز گردد. در زبان فارسی می‌توان آن را با واژه «پیروزی» معادل دانست، هرچند «فوز» مرتبه‌ای برتر از فلاح است؛ زیرا فلاح به معنای رستگاری است؛ اما فوز مرحله تحقق نهایی آن (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۹، ۱۳۳).

۲. نسبت ایمان و عمل با رستگاری از منظر قرآن کریم

بحث رابطه ایمان و عمل در تاریخ کلام اسلامی، پیشینه طولانی دارد و هم از نظر کیفیت، بسامدها و پیامدهایی داشت و در نهایت به شکل‌گیری دیدگاه‌های خاصی منجر شد. معتزله گفتند ایمان و عمل عین هم است،^۱ گروهی گفتند ایمان جدا از عمل و عمل از لوازم ایمان است.^۲ است و گروهی چیز دیگری گفتند؛ اما در این تحقیق به حقیقت ایمان پرداخته نمی‌شود، بلکه رابطه ایمان و عمل با رستگاری بررسی می‌گردد. از این رو هر کدام از این حقایق به صورت مختصر معرفی شد و اکنون رابطه و تعامل آن‌ها از منظر قرآن کریم بررسی می‌شود. غایة القصوای انسان، تقرب به خداوند و رسیدن به رستگاری است که بر اساس فرضیه این تحقیق، از مسیر ایمان و عمل صالح میسر است. هرچند به باور برخی مفسران «تنها عاملی که بنده خدا را به مقام قرب بالا می‌برد، ایمان است و اعمال صالح در آن نقشی ندارد. تنها نقش اعمال صالح، یاری ایمان و به نتیجه رساندن ایمان در بعد عمل است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰، ۱۸)؛ اما بر اساس نظر برخی از مفسری، «ایمان و عمل مکمل یکدیگرند؛ یعنی ایمان اگر در اعماق جان نفوذ کند، حتماً شعاع آن، در اعمال انسان

۱. طبق این نظر ایمان، انجام واجبات و ترك محرمات است و این یعنی عینیت ایمان و عمل. ابو علی جبائی، ابو هاشم جبائی و بیشتر معتزله بصره به این دیدگاه معتقداند (معتزلی، ۱۴۲۲: ۷۰۷؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲: ۲، ۱۶۳).

۲. طبق این نظر مؤمن کسی است که با قلب خود متعلقات ایمان را باور کرده و به مقتضای آن عمل می‌کند. مشهور اشاعره، (تفتازرانی، ۱۴۱۲: ۵، ۱۷۷؛ ابن میثم، ۱۴۰۶: ۱۷۰).

خواهد تابید و عمل او را عمل صالح می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱، ۱۴۲). اکنون باید دید که انسان چگونه می‌تواند به آن غایت خود برسد.

در قرآن دسته‌ای از آیاتی است که با «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده و سپس مؤمنان را به یک یا چند عمل فرامی‌خواند. این آیات دو چیز را روشن می‌کند: یکی اینکه عمل چیزی جدا از ایمان است؛ زیرا خداوند کسانی را برای انجام دادن عمل فرامی‌خواند که ایمان دارند و این یعنی ایمان و عمل، دو امر مجزا از هم هستند. دوم اینکه ایمان وقتی سبب رستگاری انسان می‌شود که با عمل به مقتضای آن همراه باشد. به عنوان نمونه برخی از این دست آیات را با روش تحلیل محتوا برای بیان نسبت ایمان و عمل با رستگاری، بررسی می‌شود:

یا ایها الذین آمنوا کُلُوا مِنْ طِيبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (بقره: ۱۷۲). یا ایها الذین آمنوا انْفِقُوا مِنْ طِيبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ (بقره: ۲۶۷). یا ایها الذین آمنوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ... ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء: ۵۹). یا ایها الذین آمنوا انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةً (بقره: ۲۵۴). یا ایها الذین آمنوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (بقره: ۲۷۸).

واحد تحلیل	کد اولیه	مضمون	مضمون محوری	نتیجه
یا ایها الذین آمنوا کُلُوا مِنْ طِيبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (البقره: ۱۷۲)	ایمان به خدا، شکر، عبادت	دعوت به بهره‌گیری از نعمت‌های پاک و شکرگزاری در پرتو ایمان و عبودیت	پیوند میان ایمان درونی و رفتار عبادی؛ ایمان منشأ شکر و پرهیز از حرام	ایمان زمینه شکل‌گیری رفتار مؤمنانه و شکر آگاهانه است؛ ایمان واقعی در بندگی و سپاس متجلی می‌شود. (رابطه ایمان و عمل)
یا ایها الذین آمنوا انْفِقُوا مِنْ طِيبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ... (البقره: ۲۶۷)	انفاق از اموال طیب، اجتناب از خبایث	فرمان به انفاق از اموال پاک، پرهیز از مال ناپاک	عمل اجتماعی مبتنی بر ایمان قلبی و وجدان اخلاقی	ایمان منشأ اصلاح در رفتار اقتصادی و اجتماعی است؛ مؤمن با پاکی نیت و عمل، ایمان را در جامعه محقق می‌سازد. (رابطه ایمان و عمل)



ایمان با التزام عملی معنا می‌یابد؛ اطاعت از خدا و رسول، نمود عینی ایمان و نشانه پذیرش مرجعیت الهی است. (رابطه ایمان و عمل)	ایمان آگاهانه، پایه اطاعت و نظام‌مندی دینی	ضرورت تبعیت از خدا، رسول و اولی الامر	اطاعت، تبعیت، ایمان به خدا	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ... (النساء: ۵۹)
ایمان به خدا و قیامت، انگیزه عمل صالح و دوری از غفلت است؛ مؤمن با درک آخرت، به مسئولیت اجتماعی خود عمل می‌کند. (رابطه ایمان و عمل)	ایمان به آخرت به عنوان محرک عمل نیک	تشویق به انفاق پیش از فرارسیدن قیامت که فرصت عمل از میان می‌رود	ایمان، انفاق، آخرت (باور و عمل)	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (البقرة: ۲۵۴)
ایمان حقیقی بدون التزام عملی، ناقص است؛ تقوا و اجتناب از ربا نشانه صدق ایمان و تسلیم در برابر فرمان الهی است. (رابطه ایمان و عمل)	ایمان راستین در پرتو تقوا و اجتناب از گناه آشکار می‌شود	دعوت به ترک ربا و پایبندی به تقوا به عنوان نشانه ایمان راستین	تقوا، ترک ربا، صداقت در ایمان	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (البقرة: ۲۷۸)

جدول ۱: تحلیل محتوای کیفی نسبت ایمان و عمل

در همه این آیات، ایمان پیش فرضی درونی و قلبی به عنوان مبنای خطاب الهی فرض شده است، در حالی که عمل (انفاق، اطاعت، شکر، تقوا و...) تجلی بیرونی و نتیجه طبیعی آن محسوب می‌شود. این یعنی ایمان و عمل، دو حقیقت مجزا از هم بوده و هردو در کنار هم، می‌توانند زمینه رستگاری انسان را به صورت مشروط فراهم کنند. مشروط بودنش به این دلیل است که از منظر قرآن کریم، چنانکه ایمان ضمن آنکه یک امر تشکیکی است، گاهی ممکن است از بین برود (ارتداد)، عمل نیز ممکن است اصلاً قبول نشود؛ زیرا قید قبولی عمل، تقوا است^۱ یا ممکن است دچار حبط و بطلان شود.^۲

در چارچوب تحلیل محتوای کیفی، مضمون محوری مشترک میان آیات را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (المائدة/۲۷)

۲. حبط به معنای باطل شدن عمل، و از تأثیر افتادن آن است. در قرآن هم جز به عمل نسبت داده نشده، از جمله در سوره زمره آیه ۶۵ آمده: «لَيْتُ أَشْرَحْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ، وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۲۵۰).

۱. ایمان منشأ انگیزش اخلاقی و عبادی: ایمان سرچشمه رفتارهایی چون شکر، تقوا و

عبادت است؛

۲. ایمان بنیاد اصلاح اجتماعی: اعمالی چون انفاق و پرهیز از ربا، جلوه‌های اجتماعی

ایمان راستین است؛

۳. ایمان عامل هدایت و رستگاری: ایمان مؤمن، در صورت بروز بیرونی در قالب عمل،

او را به رشد معنوی و هدایت واقعی می‌رساند که همان رستگاری است.

در تحلیل محتوای کیفی آیات خطاب‌شده با تعبیر «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، الگوی مشترکی آشکار می‌شود که تأییدی روشن بر فرضیه پژوهش است مبنی بر اینکه ایمان، مفهومی مستقل از عمل است؛ اما میان این دو، رابطه‌ای درونی و علی برقرار است. در این آیات، ایمان به مثابه یک پیش‌فرض درونی و حالت قلبی مفروض گرفته شده و عمل به عنوان تجلی بیرونی آن، متعلق فرمان الهی قرار می‌گیرد. تعبیراتی که با ساختار امری (دستوری)، خطاب به مؤمنان آمده، نشان می‌دهد که ایمان، زمینه‌ساز التزام عملی است، نه عین آن.

از منظر معناشناختی، این تفکیک نشان می‌دهد که ایمان، صرف تصدیق قلبی و باور درونی است که انسان را در مدار بندگی الهی قرار می‌دهد؛ اما تا زمانی که این باور در رفتار و کنش مؤمن جلوه نکند، به فلاح و فوز (رستگاری) منتهی نمی‌شود. بنابراین عمل نه داخل در تعریف ایمان و نه بی‌نیاز از آن است، بلکه معیار صدق و تداوم آن محسوب می‌شود.

رستگاری به معنای وسیع آن (فوز و فلاح)، پیروزی، کامیابی و رسیدن به خیر مادی و دنیوی و پیروزی معنوی را شامل می‌شود. هرچند برخی مفسرین بر این باورند که رستگاری یا «سعادت مطلق در همه چیز و در تمام حالات، برای هیچ انسانی تحقق نیافته است و جز در جهانی دیگر نیز تحقق نخواهد یافت؛ اما سعادت نسبی و موقتی در زندگی هر انسانی وجود داشته است. بهره‌مندی از زندگی جلوه‌های گوناگونی دارد...» (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲، ۲۱) و هرکدام تأمین کننده سعادت نسبی است. لذا مصادیق رستگاری در حوزه دنیا و آخرت و نیز مسیر رسیدن به آن، قابل بررسی است:

۱-۲ رستگاری در دنیا

«رستگاری دنیوی آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند و این امور



جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴، ۱۹۴). این پیروزی یا رسیدن به خیر و آرامش، از طریق معامله با خدا حاصل می شود. اطاعت از خدا و رسیدن به آرامش قلبی به واسطه ایمان و عمل به مقتضای آن ایمان؛ یعنی زندگی معنوی یا زندگی مبتنی بر ایمان که نتیجه آن در دنیا نصیب انسان مؤمن می شود. سه آیه ذیل را با این فرضیه، تحلیل محتوایی می کنیم:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ... وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۱۱) وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (احزاب: ۷۱) الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸)

واحد تحلیل	کد اولیه	مضمون	مضمون محوری	نتیجه
إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ... فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۱۱)	معامله با خدا، ایثار جان و مال در راه ایمان، جهاد در راه خدا، وفای به عهد الهی	ایمان عامل حرکت به سوی فوز؛ زیرا مؤمن با آگاهی از وعده الهی، جان و مال خود را در راه خدا عرضه می کند	فوز به عنوان پاداش الهی معامله آگاهانه و عاشقانه مؤمن با خدا	رستگاری در دنیا از رهگذر ایمان فعال، جهاد، وفاداری و تبعیت از عهد الهی تحقق می یابد؛ ایمان و عمل، سرچشمه فوز عظیم است
وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (احزاب: ۷۱)	اطاعت از خدا و رسول، تبعیت عملی از ایمان	پیوند مستقیم ایمان با اطاعت؛ عمل صالح جلوه بیرونی ایمان و شرط تحقق فوز	ایمان مؤدی به اطاعت، زمینه ساز رستگاری بزرگ	فوز نتیجه التزام عملی به ایمان است؛ ایمان بدون اطاعت، به رستگاری نمی انجامد و اطاعت، شرط بروز ایمان حقیقی
الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸)	ایمان قلبی، آرامش درونی، ذکر الهی	ایمان به عنوان منشأ اطمینان قلبی؛ آرامش درونی نتیجه پیوند ایمان و یاد الهی	فوز درونی در قالب آرامش، اطمینان و سکینه قلبی	این آیه بعد روانی و درونی رستگاری را ترسیم می کند: مؤمن در دنیا به آرامش و ثبات قلبی می رسد: فوز و پیروزی روحانی

جدول ۲: تحلیل محتوای کیفی رستگاری دنیوی مؤمنان

این آیات تصویری جامع از حقیقت رستگاری در پرتو ایمان ارائه می دهند و مراتب



گونگون آن را در ساحت‌های عمل، اطاعت و درون‌مایه قلبی ترسیم می‌کنند. در آیه اول (توبه: ۱۱۱) رستگاری در قالب معامله‌ای تصویر می‌شود که نماد اوج ایمان و تحقق فوز عظیم است. در آیه دوم (احزاب: ۷۱) فوز در پرتو اطاعت از خدا و رسول معنا می‌یابد؛ بدین معنا که رستگاری، نتیجه التزام آگاهانه به فرمان الهی و انقیاد در برابر حق است. اما آیه سوم (رعد: ۲۸) مرتبه‌ای درونی‌تر از فوز را بیان می‌کند؛ آرامش و اطمینان قلبی مؤمن در پرتو یاد خدا، رستگاری روحی و روانی را رقم می‌زند که پایه سایر مراتب فلاح است. در مجموع، قرآن کریم فوز را فرایند تدریجی می‌داند که از ایمان آغاز شده و در عمل و اطاعت تجلی می‌یابد و به آرامش و بقا در رحمت الهی می‌انجامد. این تحلیل نشان می‌دهد که ایمان اگر در رفتار و روان انسان متجلی شود، به رستگاری دنیوی و رضایت الهی می‌انجامد. بنابراین پیوند میان ایمان و فوز، پیوندی علی و وجودی است نه صرفاً مفهومی.

۲-۲. رستگاری در آخرت

در آخرت «پیروزی بزرگ از آن مؤمنان است؛ زیرا آنان بر پایه وعده خداوند با کردار نیک و پرهیزکاری‌شان مستحق این پاداش شده‌اند و خدا هرگز پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد. این رستگاری بزرگ، همان کامیابی و نجات از عذاب آخرت است و چه کامیابی‌ای برتر از دستیابی به بهشت و چه نجاتی والاتر از رهایی از آتش دوزخ» (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۴، ۱۷۲). «رستگاری اخروی آن است که انسان در سایه رحمت الهی، در میان نعمت‌های جاوید، همراه با دوستان پاک، در نهایت عزت و سرافرازی زندگی جاودانه یابد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴، ۱۹۴). بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های آن و بهره‌مندی از رضوان یا رضایت الهی، نماد رستگاری در آخرت در یک دسته از آیات است. این دسته از آیات گام بعدی منطقی در مسیر این پژوهش است؛ زیرا با مقایسه آن با گروه قبلی (رستگاری دنیوی)، می‌توان الگوی دوگانه «فوز دنیوی و اخروی» را در نسبت با ایمان و عمل به صورت نظام‌مند استخراج کرد:

وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (نساء: ۱۳) وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْهُ جَنَّتٍ تَجْرِي



مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (تغابن: ۹) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (بروج: ۱۱) وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُحَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۰۰)

واحد تحلیل	کد اولیه	مضمون	مضمون محوری	نتیجه
وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (نساء: ۱۳)	اطاعت از خدا و رسول، پاداش اخروی	اطاعت، منشأ ورود به بهشت	پیوند اطاعت با فوز اخروی	اطاعت مؤمن از خدا و رسول، شرط دستیابی به فوز عظیم در آخرت
وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْهُ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (تغابن: ۹)	ایمان همراه با عمل صالح	پیوند ایمان با عمل و مغفرت	ایمان و عمل صالح: فوز عظیم	عمل صالح، تحقق بیرونی ایمان است که فوز اخروی را تضمین می‌کند.
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (بروج: ۱۱)	ایمان و عمل صالح به عنوان معیار نجات	همانگی ایمان و عمل	ایمان فعال: فوز کبیر	رستگاری بزرگ ویژه کسانی است که ایمان را به عرصه عمل می‌آورند.
وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُحَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ... ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۰۰)	ایمان، پیشگامی، تبعیت احسان	استمرار ایمان و پیروی راستین	ایمان پایدار و اخلاص: فوز عظیم	فوز نهایی، ثمره استمرار ایمان و اخلاص در پیروی از راه حق است.

جدول ۳: تحلیل محتوای کیفی آیات حاوی رستگاری اخروی مؤمنان

در مجموعه این آیات، مفهوم فوز عظیم در پیوندی استوار با ایمان و عمل صالح ترسیم می‌شود. در نگاه قرآن، ایمان ریشه‌ای است که شاخه‌های آن در عرصه رفتار و اطاعت از فرمان الهی می‌روید. آیه نخست (نساء: ۱۳) اطاعت از خدا و رسول را راه ورود به بهشت و رمز فوز عظیم معرفی می‌کند؛ یعنی رستگاری در گرو تسلیم آگاهانه در برابر اراده الهی است. در آیه دوم (تغابن: ۹) پیوند میان ایمان و عمل صالح آشکارتر می‌شود؛ ایمان صادق



سبب آمرزش گناهان و مقدمه ورود به بهشت جاویدان است که همان فوز حقیقی به شمار می‌آید. در آیه سوم (بروج: ۱۱) بر استمرار ایمان و عمل صالح به عنوان شرط دستیابی به «فوز کبیر» یا مرتبه‌ای فراتر از کامیابی دنیوی و تجلی پاداش نهایی مؤمنان تأکید شده است. از آیه چهارم (توبه: ۱۰۰) مرتبه والاتر فوز را در رضای متقابل میان خدا و بندگان در بهشت فهم می‌شود. بنابراین در منطق قرآن کریم ایمان، اطاعت و عمل صالح سه رکن به هم پیوسته فوز اخروی‌اند و رستگاری نهایی، ثمره پیوند میان معرفت، اخلاق و بندگی است. این ساختار مفهومی فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند که ایمان از عمل متمایز است؛ اما بدون عمل، اثر وجودی و اخروی ندارد.

۳-۲. رستگاری در دنیا و آخرت (مطلق)

یکی گروه از آیات قرآن رحمت الهی را برابند ایمان و عمل می‌داند. برخورداری از رحمت الهی مستلزم نوعی شایستگی و آمادگی درونی است که در ساحت اعتقاد با ایمان و در حیطه رفتار با عمل صالح تحقق می‌یابد. لذا ایمان زیربنای نظری و عمل صالح، نمود عینی آن به شمار می‌آید. رحمت و رضوان الهی نیز دارای دو بُعد است: بُعد دنیوی که در قالب آرامش، توفیق و هدایت جلوه می‌کند و بُعد اخروی که در رهایی از عذاب و دستیابی به سعادت جاودان متجلی می‌شود. سه آیه ذیل را با این نگاه، تحلیل محتوایی می‌کنیم:

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (جاثیه: ۳۰) مَنْ يَصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (انعام: ۱۶) وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (غافر: ۹)

واحد تحلیل	کد اولیه	مضمون	مضمون محوری	نتیجه
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (جاثیه: ۳۰)	ایمان و عمل صالح، ورود در رحمت الهی	ایمان و عمل صالح زمینه‌ساز رحمت خدا	پیوند ایمان و عمل صالح با فوز آشکار	رستگاری آشکار در گرو ایمان راستین و عمل صالحی است که انسان را در رحمت الهی داخل می‌سازد.



فوز آشکار در آن است که انسان از عذاب قیامت در امان ماند و در پرتو رحمت خداوند نجات یابد.	رحمت الهی، ضامن نجات اخروی	نجات از عذاب در پرتو رحمت خدا	مصون ماندن از عذاب، نشانه رحمت الهی	مَنْ يَصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (انعام: ۱۶)
رحمت خدا در قیامت به صورت بخشش گناهان تجلی می یابد و این بخشش، نشانه فوز عظیم مؤمنان است.	فوز عظیم، حاصل رحمت و مغفرت الهی	رحمت الهی در قالب عفو و مصونیت از گناه	دور ماندن از گناهان و سیئات	وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (غافر: ۹)

در سه آیه فوق، شایستگی دریافت «رحمت الهی» به منزله گوهر مشترک فوز و رستگاری معرفی می شود؛ زیرا رحمت و فوز، پیوندی دو ساحتی میان دنیا و آخرت دارند. در آیه جاثیه، ایمان و عمل صالح زمینه ورود مؤمن به دایره رحمت الهی است؛ رحمتی که در دنیا آرامش، توفیق و هدایت را به همراه دارد و در آخرت به رهایی از عذاب و وصول به سعادت ابدی می انجامد. در آیه انعام، رستگاری در مصون ماندن از عذاب الهی جلوه گر می شود و این مصونیت، نشانه رحمت و ویژه خداوند نسبت به بندگان مطیعش است. آیه غافر نیز فوز عظیم را در پرتو همین رحمت تفسیر می کند؛ رحمتی که با پوشاندن سیئات و مغفرت الهی تحقق می یابد. در مجموع، این آیات تصویری جامع از فوز ارائه می دهند که در آن، رحمت الهی هم در عرصه دنیا به شکل آرامش و توفیق تجلی می کند و هم در آخرت به صورت نجات و بقای جاوید. بدین ترتیب، ایمان و عمل صالح پلی میان دو جلوه رحمت خدا و کلید دستیابی به فوز و رستگاری در هر دو جهان هستند.

۳. نسبت ایمان و عمل با رستگاری از منظر نهج البلاغه

از امام علی^(ع) روایت شده است که درباره رابطه ایمان و رستگاری یا نجات و سعادت فرمودند: «بِالْإِيمَانِ يَرْتَقَى إِلَى ذُرْوَةِ السَّعَادَةِ وَنِهَایَةِ الْحُبُورِ؛ با ایمان است که انسان به بلندای سعادت و نهایت شادکامی دست می یابد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۸۹). الْإِيمَانُ شَفِيعٌ مُنْجِحٌ؛ ایمان شفیع کارساز و یاریگری رهایی بخش است» (همان، ۸۷). «لَا وَسِيلَةَ أَنْجَحُ مِنَ الْإِيمَانِ؛ هیچ وسیله ای در نجات و کامیابی، مؤثرتر از ایمان نیست» (همان،



۶۲؛ اما در ادامه رابطه ایمان و رستگاری را با محوریت نهج البلاغه بررسی می‌کنیم:

۳-۱. معنای فوز و رستگاری

کلمه فاز، فوز و فلاح در موارد زیادی از نهج البلاغه به کار رفته که چند مورد به طور نمونه، بررسی و تحلیل می‌شود. امام علی^(ع) می‌فرماید:

۱. «فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ... كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ تُوجِبُ لَهُ الْمَغْنَمَ وَيَرْفَعُ بِهَا عَنْهُ الْمَغْرَمُ؛ مسلمان... به مسابقه‌دهنده‌ای می‌ماند که دوست دارد در همان آغاز مسابقه پیروز شود تا سودی به دست آورد و ضرری متوجهش نگردد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). این عبارت، فرازی از خطبه‌ای است که «امیرالمؤمنین^(ع) پس از آنکه از حسد نهی کرده، به صبر و انتظار فرج از خداوند فرمان داده است؛ [انتظاری که] یا به مرگی راحت کننده یا با دست یافتن و پیروزی به خواسته [منجر می‌شود]» (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹: ۱، ۲۴۹). واژه «فَوْزَة» در این فراز، به معنای پیروزی و کامیابی سودمند یا پیروزی همراه با غنیمت به کار رفته است، نه صرفاً غلبه ظاهری. این کاربرد نشان می‌دهد که فوز در اندیشه علوی، تنها زمانی ارزش دارد که موجب رهایی از خسارت و دستیابی به خیر حقیقی شود.

۲. «أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهَا الْمَعَادُ، زَادٌ مُبْلَغٌ وَمَعَادٌ مُنْجِحٌ، دَعَا إِلَيْهَا أَسْمَعُ دَاعٍ^۱ وَوَعَاَهَا خَيْرٌ وَاعٍ، فَاسْمَعْ دَاعِيَهَا وَفَارَ وَاعِيَهَا؛ ای بندگان خدا، شما را به تقوا سفارش می‌کنم که تقوا توشه و پناهگاه است. توشه‌ای است که ما را به منزل می‌رساند و پناهگاهی رستگاری دهنده است. بهترین دعوت‌کنندگان که سخن خود را به گوش همگان رسانید، مردم را به تقوا دعوت کرد و آنکه سخن او را دریافت، بهترین درک کننده بود. پس دعوت‌کننده، دعوت خویش را به گوش‌ها رسانید و شنوندگان از آن دعوت رستگار شدند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴). «هیچ حقیقتی مانند تقوا برای پذیرفتن شایسته نیست... به همین علت است که دعوت‌کننده به سوی تقوا که دو حجت ظاهری و باطنی (پیامبران و

۱. در جمله «دعا إليها أسمع داعٍ»: نیرومندترین دعوت‌کنندگان از حیث شنوندن و رساندن پیام، پیامبر اکرم^(ص) است. و مقصود از «بهترین شنونده» کسانی هستند که به دعوت الهی شتاب می‌ورزند؛ آنان برترین پذیرندگان از میان انسان‌ها و کامل‌ترین استعدادها برای انسانی در پاسخ به ندای خداوندند (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۳، ۹۹).



اوصیا در ظاهر و عقل سلیم و وجدان پاک در باطن) است، این عامل سازنده را برای همه ابلاغ نموده‌اند و از طرف دیگر، شنونده و پذیرنده این عامل سازنده، به حد کمال خود رسیده و رستگار شده است» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۶: ۲۱، ۱۴۵-۱۴۶). در این فراز، واژه «فاز» به معنای رستگاری و نجات واقعی آمده است. امام علی^(ع) از پناهگاهی سخن می‌گوید که انسان را به فوز می‌رساند؛ همان که پیامبر^(ص) مردم را به سوی آن فراخواند و هرکسی آن را شنید و پذیرفت، به رستگاری رسید.

۳. «... فَإِنَّ فَوْزاً بِهَذِهِ الْخِصَالِ شَرَفٌ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَ دَرَكُ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ به یقین بذل و بخشش در موارد شش‌گانه بالا، هم سبب آبرو و شخصیت در جامعه انسانی در دنیا می‌شود، و هم از اسباب مهم سرافرازی در آخرت خواهد بود» (خطبه ۱۴۲). در این فراز، واژه «فوزاً» به معنای رسیدن به خصلت‌هایی است که سبب سرافرازی و کامیابی انسان در دنیای و آخرت می‌شود. «واژه فوز را به صورت نکره آورده، تا بر معنای تقلیل و کمیابی دلالت کند؛ یعنی حتی اندک بهره‌ای از این فضایل، موجب شرافت و سعادت در دنیا و آخرت می‌شود» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۸، ۴۰۳). برخی گفته‌اند «نکره بودن فوز که به معنای دست یافتن است، برای این است که مفید معنای مطلق دست یافتن است» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۳، ۳۳۷).

۴. «وَ إِنْ قَادِمًا يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوْ الشَّقْوَةِ لَمْ يُسْتَحَقَّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ؛ مسافری که رستگاری یا شقاوت همراه خود می‌برد، باید بهترین توشه را با خود بردارد» (خطبه ۶۴). در این فراز، واژه «فوز» به معنای رستگاری نهایی و سعادت اخروی به کار رفته است. مقصود از «کسی که با فوز یا شقاوت باز می‌گردد» انسان است؛ زیرا انسان از وطن اصلی خویش دور افتاده و در مسیر بازگشت به سوی آن است. پس وقتی به سر منزل خویش باز می‌رسد، یا سعادتمند است و به خوشبختی جاودان نائل می‌شود، یا تیره‌بخت است و در محرومیت همیشگی فرومی‌افتد. و چون سرنوشت او چنین است، شایسته است که برای خود نیکوترین توشه و بردارد» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۴، ۴۰۴). در این فراز نیز فوز به معنای سعادت و رستگاری آمده است.

۵. «فَارْعَوْا عِبَادَ اللَّهِ مَا بِرِعَايَتِهِ يَفُوزُ فَاثْرُكُمُ وَ بِإِضَاعَتِهِ يَخْسَرُ مُبْطِلُكُمْ؛ ای بندگان خدا!



مراقب چیزی باشید که رستگاران با پاس داشتن آن سعادتمند شدند، و تبهکاران با ضایع کردن آن به خسران و زیان رسیدند» (خطبه ۱۹۰). «این تعبیر گویای امام، اشاره به تقوا و عمل صالح است که رعایت آن سبب رستگاری و پشت کردن به آن سبب زیان و خسران است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۷، ۳۱۱). در این فراز، واژه «یفوز و فائز» به معنای رستگاری و رستگاری است. امام علی^(ع) بندگان خدا را فرامی‌خواند تا از آنچه مایه فوز و نجات است پاسداری کنند؛ زیرا رستگاران با نگهداشتن آن به سعادت رسیدند و گمراهان با تبه‌ساختنش زیان دیدند. لذا فوز در اینجا بیانگر رهایی از خسران و رسیدن به کمال معنوی و سعادت اخروی است.

واحد تحلیل	کد اولیه	مضمون	مضمون محوری	نتیجه
فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ... كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ تُوجِبُ لَهُ الْمَغْنَمَ وَيَرْفَعُ بِهَا عَنْهُ الْمَغْرَمَ	فوز، بهره‌مندی از مغنم	پیروزی و منفعت حاصل از تلاش و آمادگی	فوز به معنای کسب موفقیت عملی و منفعت حاصل از اقدام	فوز در اینجا بیانگر موفقیت و بهره‌مندی واقعی از تلاش و عمل فرد است
وَمَعَادُ مُنْجِحٍ دَعَا إِلَيْهَا أَسْمَعَ دَاعٍ وَوَعَاها خَيْرٌ وَاعٍ فَاسْمَعَ دَاعِيَهَا وَفَارَزَ وَاعِيَهَا	فوز، کامیابی	پیروی از دعوت خیر و آگاهی	فوز به معنای کامیابی و موفقیت در مسیر هدایت	فوز در این مورد بیانگر موفقیت و کامیابی حاصل از پذیرش هدایت و عمل آگاهانه است
فَإِنَّ فَوْزاً بِهَذِهِ الْخِصَالِ شَرَفٌ مَكَارِمُ الدُّنْيَا وَذِكْرُ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ	فوز، دستیابی به خصال نیک	رستگاری و شرافت در دنیا و آخرت	فوز به معنای موفقیت حقیقی و کسب فضائل	فوز در اینجا نشان‌دهنده رسیدن به فضایل اخلاقی و بهره‌مندی از شرافت دنیوی و فضائل اخروی است
وَإِنَّ قَادِمًا يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوْ السُّقُوتِ لِمُسْتَحِقٍّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ	فوز و شقاوت، کامیابی و ناکامی	نتیجه اقدامات آینده و میزان آمادگی فرد	فوز به معنای موفقیت حاصل از آمادگی و تلاش	فوز در این مورد به معنای موفقیت واقعی فرد است که با آمادگی و رعایت اصول به دست می‌آید
فَارْعَوْا عِبَادَ اللَّهِ مَا بِرِعَايَتِهِ يَفُوزُ فَايُزَكُّكُمْ وَبِإِضَاعَتِهِ يَخْسِرُ مُبْطِلُكُمْ	فوز، کامیابی	موفقیت یا ناکامی مرتبط با رعایت مسئولیت‌ها	فوز به معنای بهره‌مندی از موفقیت در اثر مراقبت و رعایت	فوز در این مورد نشان‌دهنده رستگاری فرد است که با رعایت مسئولیت‌های عبادی حاصل می‌شود



نتایج تحلیل فرازهای نهج البلاغه نشان می‌دهد که «فوز» در این کتاب، صرفاً به معنای پیروزی مادی یا ظاهری نیست، بلکه به معنای رستگاری حقیقی و کامیابی واقعی انسان است. این واژه بیانگر دستیابی به فضایل و شرافت و موفقیت در دنیا و آخرت و تحقق نتیجه عمل صالح است. در همه نمونه‌ها، فوز با اقدام، تلاش، رعایت مسئولیت‌ها و پذیرش هدایت پیوند خورده است. این یعنی کامیابی بدون عمل و آمادگی، حاصل نمی‌شود و از طرف دیگر عمل عبادی تنها از پرهیزگارانی قبول می‌شود که ایمان پایه اصلی تقوا و عملشان است. این تحلیل نشان می‌دهد که نهج البلاغه رستگاری را فرایندی می‌داند که از ترکیب عمل و نتیجه آن به دست می‌آید.

۲-۳. کارایی ایمان برای رسیدن به رستگاری

ایمان زیربنای سعادت و رستگاری انسان است؛ چنانکه حضرت امیرالمؤمنین^(ع) فرمودند: «ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ الْفَوْزُ عِنْدَ اللَّهِ؛ وَ ثَمَرَةُ إِيْمَانٍ، رِسْتِگَارِی دَر پِیشْگَاهِ خِداوند است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۸۸). کارکرد ایمان در نهج البلاغه، تنها در باور قلبی خلاصه نمی‌شود، بلکه مبدأ رفتاری است که زمینه‌های رستگاری را فراهم می‌کند.

۱. الْإِيْمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ؛ ایمان آن است که راست‌گویی را اگرچه به تو زیان برساند، بر دروغ‌گویی اگرچه به تو سود رساند، مقدم بداری. (حکمت ۴۵۸)

مؤمن واقعی، نشانه‌هایی دارد که به وسیله آن‌ها می‌توان او را از افراد بی‌ایمان بازشناسی کرد. یکی از این نشانه‌ها آن است که مؤمن در پرتو ایمان، سود واقعی را در اطاعت از دستورات خدا و زیان واقعی را در اطاعت نکردن از دستورات خدا می‌داند. از آنجاکه خداوند به ما دستور داده که همیشه راست بگوییم و از دروغ‌گویی پرهیز کنیم، مؤمن نیز هرگز حاضر نمی‌شود برخلاف این دستور رفتار کند.

۲. فَرَضَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشِّرْكِ؛ خداوند ایمان را برای پاک شدن [دل] از شرک واجب گردانید. (حکمت ۲۵۲). گویی شرک پلیدی است و هر چیزی آلوده به آن، نیاز به تطهیر دارد. ایمان در این معنا، سپری در برابر آلودگی عقیدتی و روحی است که انسان را از شرک می‌رهاند. چون شرک منشأ گمراهی و هلاکت است، رهایی از آن نوعی رستگاری



به شمار می‌آید. بنابراین ایمان پایه توحید و معرفت الهی و عامل نجات و سعادت حقیقی انسان در دنیا و آخرت است. «اصل همه واجبات و سنت‌ها ایمان است و از جمله هدف‌های ایمان پاک ساختن از شرک را قرار داده است، و چون پاکی از شرک هدف مورد نظر شارع و همچنین کمال نفس وسیله شناخت خدای تعالی است. از این رو پاک‌سازی از شرک هدف نهایی از ایمان است». (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۵، ۳۶۶). «ایمان طهارتی از آلودگی شرک است؛ زیرا شرک نوعی ناپاکی معنوی (نجاسة معنویة) به شمار می‌آید، از آن رو که هر نوع شرک به خداوند برخلاف حقیقت هستی است و دربردارنده نوعی فرومایگی عقلانی، کوچک‌سازی مقام انسان، و دگرگون‌سازی فطرت خردمندانه اوست؛ فطرتی که خداوند به وی عطا کرده است. از این رو شرک همچون نجاستی تلقی می‌شود و مشرک، آلوده به آن است، و جز با پذیرش توحید، زوده نمی‌شود» (موسوی، ۱۴۱۸: ۵، ۳۹۷).

ایمان در این فراز، بازسازنده حقیقت انسانی تلقی شده است؛ چنان‌که شرک در این نگاه، انحراف از ساختار عقلانی و نوعی بحران شناختی تلقی شده که سبب گسست میان انسان و سرچشمه معنا می‌شود. بنابراین ایمان و باور به توحید، رهپاری انسان به تمامیت وجودی او و رسیدن به کرامت ذاتی انسان به واسطه پیوند آگاهانه با حقیقت مطلق است و این یعنی سعادت و رستگاری نهایی انسان.

۳. **إِنْ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَرِسُولُهُ...**؛ برترین وسیله‌ای که متوسلین به خدا به آن چنگ می‌زنند، ایمان به خدا و پیامبر اوست. (خطبه ۱۱۰) در این خطبه که حضرت اسباب توسل به خداوند را می‌شمارد، اولاً ایمان را در کنار یک گروه از اعمال نیک قرار می‌دهد و این نشان می‌دهد که ایمان غیر از عمل است و گرنه جزو مقسم‌های «مَا تَوَسَّلَ بِهِ» در کنار اعمال قرار نمی‌گرفت. ثانیاً ایمان را به عنوان اولین وسیله می‌شمارد و این نشان می‌دهد که «ایمان پایه استواری برای پذیرش و کارایی عمل است یا اساس همه خوبی‌ها و نیکی‌ها است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۴، ۶۲۰)؛ اما این‌که از این فرمایش حضرت، چگونه می‌توان به سعادت و رستگاری پل زد، می‌توان گفت که علت متوسل شدن عبد به خدا، تقرب به او است و اگر از مسیر درست و وسایل درست استفاده شود، این هدف محقق می‌شود. بنابراین نقش ایمان در تقرب عبد به خداوند،



برجسته است؛ اما به شرطی که همراه با عمل صالح باشد.

واحد تحلیل	کد اولیه	مضمون	مضمون محوری	نتیجه
الایمانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ	ترجیح صدق بر سود	ایمان مستلزم صداقت	کارایی ایمان در هدایت رفتار	ایمان رفتار انسان را به سوی صداقت و اخلاق الهی هدایت می‌کند.
فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ	تقابل ایمان و شرک	ایمان عامل طهارت از شرک	ایمان را خدا عامل پاک‌سازی روح از شرک قرار داده است	کارکرد بنیادین ایمان طهارت روح و نزدیکی به خداوند است
إِنْ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَرِسُولُهُ	برترین وسیله توسل، ایمان به خدا و پیامبر	ایمان بهترین ابزار اتصال به خدا	کارایی ایمان در توسل و ارتباط با خداوند	ایمان وسیله اصلی تقرب و ارتباط مؤثر با خداوند است و کارایی آن در بهره‌مندی از رحمت و هدایت الهی نمایان می‌شود.

نتیجه‌گیری تحلیل فرازهای نهج البلاغه با محوریت «کارایی ایمان برای رستگاری» نشان می‌دهد که ایمان تنها یک باور ذهنی نیست، بلکه عامل عملی و کارآمدی است که رفتار و اخلاق انسان را جهت‌مند می‌کند. لذا کارایی آن در زندگی فردی و اجتماعی نمایان می‌شود و می‌تواند انسان را در مسیر نجات و رستگاری هدایت کند.

۳-۳. رابطه ایمان و عمل برای رستگاری انسان

در روایات فراوانی از امام علی^(ع) رابطه مستحکم ایمان و عمل بیان شده است؛^۱ به گونه‌ای که گاهی اصل و حقیقت ایمان، با برخی از اعمال گره خورده است. مثلاً «أَصْلُ الْإِيمَانِ حُسْنُ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ؛ الْإِيمَانُ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ؛ الْإِيمَانُ صَبْرٌ فِي الْبَلَاءِ وَ شُكْرٌ فِي الرَّخَاءِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۸۷)؛ اما در اینجا چند نمونه از نهج البلاغه بررسی و

۱. الْإِيمَانُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْيَقِينُ وَفَرْعُهَا التَّقَى وَنُورُهَا الْحَيَاءُ وَتَمَرُهَا السَّخَاءُ؛ الْإِيمَانُ وَ الْإِخْلَاصُ وَ الْيَقِينُ وَ الْوَرَعُ الصَّبْرُ وَ الرِّضَا بِمَا يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۸۷)



تحلیل می‌شود:

۱. «لَا إِيمَانَ كَالْحَيَاءِ وَالصَّبْرِ؛ هیچ ایمانی همانند حیا و صبر نیست» (حکمت ۱۱۳) هرچند «در این عبارت، از لازم به جای ملزوم تعبیر شده است؛ به این معنا که حیا و صبر از لوازم جدایی ناپذیر ایمان‌اند و نقش آن دو در پشتیبانی و یاری ایمان، چون رابطه همراهی و معاونت میان دو چیز لازم و ملزوم است» (بیهقی نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲، ۶۳۶)؛ اما در این فرمایش امام علی^(ع) تأکید بر کیفیت و جوهره ایمان است. این بیان نشان می‌دهد که جنس ایمان، عملی و اخلاقی است؛ یعنی ایمان واقعی با ویژگی‌های اخلاقی چون حیا و توان تحمل مشکلات (صبر) نمود پیدا می‌کند و حیا و صبر، معیار عملی ایمان حقیقی و راه رستگاری است.

۲. «فَبِالْإِيمَانِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَ بِالصَّالِحَاتِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ؛ با ایمان می‌توان به اعمال صالح و با اعمال صالح می‌توان به ایمان رسید» (خطبه ۱۵۶). «مقصود از صالحات، اعمال نیکویی از جنس عبادات و مکارم اخلاق است که در شریعت بر آن‌ها تأکید شده است. بی‌تردید این اعمال، معلول ایمان‌اند؛ از وجود ایمان در دل انسان می‌توان بر همراهی او با این اعمال استدلال کرد - چنان‌که از علت بر معلول استدلال می‌شود - و نیز از صدور این اعمال از انسان، می‌توان به وجود ایمان در قلب او پی برد، چنان‌که از معلول بر علت استدلال می‌شود» (این میثم، ۱۴۰۴: ۳، ۲۶۰). این فراز، مستحکم‌ترین رابطه ایمان و عمل را بیان می‌کند و بر پیوندی دوسویه میان ایمان و عمل صالح تأکید دارد؛ اما در عمق خود نشان می‌دهد که این رابطه فراتر از منطق علت و معلول صرف است. ایمان و عمل، دو بُعد از یک حقیقت‌اند: یکی صورت درونی و دیگری تجلی بیرونی یک حرکت روحی. عمل صالح نه فقط نشانه ایمان، بلکه فرآیند تکوین و پویایی آن است؛ ایمان بدون عمل، به تجربه زیسته و اخلاقی بدل نمی‌شود. از این منظر، میان باور و رفتار شکافی نیست، بلکه هر عمل نیک، بازتاب رشد ایمان درونی و هر ایمان راستین، سرچشمه خودانگیختگی اخلاقی در انسان است.

۳. «سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ پرسیدند که ایمان چیست؟ فرمود: ایمان عبارت است از شناخت قلبی، اعتراف و اقرار به



زبان و عمل با اعضای بدن» (حکمت ۲۲۷). «عمل به ارکان، به این معنا است که ایمان باید در عمل محسوس و عینی تجسم یابد. از طرفی، هر عملی که ضرورت آن به طور بدیهی در دین ثابت شده است، ستون و پایه‌ای از ایمان به شمار می‌آید؛ مانند وجوب جهاد، روزه، نماز، حج و زکات» (مغنیه، ۱۹۷۹: ۴، ۳۵۲). این گفتار حضرت، ساختار ایمان را در سه بُعد هماهنگ تبیین می‌کند: معرفت قلبی، اقرار زبانی، و عمل با ارکان. بُعد سوم، نقطه تبلور عینی ایمان است و نشان می‌دهد که باور حقیقی، اگر در عرصه رفتار و کنش بدنی ظهور نیابد، هنوز به مرتبه کمال نرسیده است. عمل با اعضا، تداوم طبیعی معرفت درونی است؛ گویی اندام‌های انسان، زبان گویای قلب می‌شوند. این نگرش، ایمان را از حالت ذهنی و زبانی بیرون می‌کشد و آن را به ساحت زیست اخلاقی و اجتماعی پیوند می‌زند. بنابراین، ایمان واقعی هم‌زمان معرفت، اقرار و عمل را در بر می‌گیرد و معیار شناخت مؤمنان حقیقی همین سه مرحله است.

۴. «سُوسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ ایماتان را با صدقه دادن حفظ کنید» (حکمت ۱۴۶). صدقه نمود بیرونی ایمان و وسیله‌ای برای تثبیت و تقویت آن است؛ عمل خیر، ایمان را زنده نگه می‌دارد و از کاستی و آسیب محافظت می‌کند. بدین ترتیب، ایمان و عمل جدا نیستند؛ ایمان با عمل صالح، مانند صدقه، تکمیل می‌شود و این پیوند است که باعث پایداری روحانی و فوز واقعی مؤمن می‌شود. برخی از شارحان نهج البلاغه در تفسیر این سخن امام گفته‌اند: «با صدقه دادن، ایمان خود را مالک شوید؛ زیرا بلاهای بزرگ گاه چنان بر انسان فرود می‌آیند که ایمان را از او می‌گیرد» (نواب لاهیجی، بی‌تا: ۳۰۶). از این رو صدقه دادن وسیله‌ای برای تحکیم ایمان و حفظ پیوند معنوی انسان با خداوند به شمار می‌آید و این حکایتگری پیوند عمیق ایمان و عمل (صدقه) است.

واحد تحلیل	کد اولیه	مضمون	مضمون محوری	نتیجه
لا ایمان کالحياء والصبر	ارتباط ایمان با اخلاق و صبر	ایمان با ویژگی‌های اخلاقی مانند حیا و صبر همراه است	ایمان حقیقی عملی و اخلاقی است	ایمان واقعی بدون ظهور در رفتار و اخلاق کامل نمی‌شود.

فَبِالْإِيمَانِ يَسْتَدِلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَبِالصَّالِحَاتِ يَسْتَدِلُّ عَلَى الْإِيمَانِ	پیوند دوسویه ایمان و عمل صالح	ایمان و عمل شاخص یکدیگرند؛ ایمان حقیقی در رفتار نیک نمود دارد و عمل صالح نیز نشانه باور درونی است	تلازم ایمان و عمل به عنوان دو بعد جدایی ناپذیر	ایمان و عمل رابطه‌ای متقابل دارند؛ ایمان بدون عمل ناقص و عمل بدون ایمان بی‌ریشه است. کمال انسان زمانی تحقق می‌یابد که باور درونی و رفتار بیرونی در هماهنگی کامل باشند.
الایمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالأركان	شناخت قلبی، اعتراف زبانی و عمل با ارکان	ایمان شامل سه مؤلفه شناختی، اعترافی و عملی است	ایمان ترکیبی از باور، بیان و عمل است	ایمان کامل، علاوه بر باور و اقرار، مستلزم عمل عملی است که جلوه عینی ایمان است
سُوسُوا إيمانكم بالصدقه	تقویت ایمان از طریق عمل خیر	عمل صالح مانند صدقه، ایمان را تقویت می‌کند	نسبت مستقیم عمل با رشد و استحکام ایمان	اعمال خیر و اخلاقی، ایمان را تثبیت و تقویت می‌کنند و ایمان فعال نتیجه‌ای پایدار می‌یابد

نتیجه تحلیل نشان می‌دهد که حقیقت ایمان در نهج البلاغه، با عمل صالح و اخلاق نیکو تکمیل می‌گردد. ایمان واقعی با حیا، صبر و رفتار عملی نمود پیدا می‌کند و بدون عمل، کامل نمی‌شود. همچنین اعمال خیر مانند صدقه، ایمان را تقویت و مستحکم می‌کند. بنابراین ایمان فعال و عملی در نهج البلاغه، معیار کمال و پایداری آن است.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی مفهوم ایمان، عمل و رستگاری در قرآن کریم و نهج البلاغه نشان می‌دهد که سیر کمال انسان بر پیوندی درونی و جدایی ناپذیر میان باور و رفتار استوار است. ایمان در این منظومه صرفاً اعتقاد ذهنی یا اقرار زبانی نیست، بلکه نیرویی درونی است که رفتار انسان را جهت می‌دهد و منشأ کنش‌های اخلاقی و عبادی او می‌گردد. از منظر قرآن، ایمان هنگامی منشأ رستگاری می‌شود که با عمل به مقتضای آن همراه باشد؛ یعنی باور قلبی به حقیقت الهی باید در عرصه رفتار عینی تحقق یابد تا انسان را به رستگاری برساند. از سوی دیگر، عمل صالح بدون پشتوانه ایمان، صورتی بی‌روح و از معنویت و جهت الهی تهی



است. بدین ترتیب، رستگاری نتیجه توازن درونی میان تصدیق قلبی و تحقق بیرونی ایمان در رفتار است، نه صرف گردآوری اعمال یا تکرار ظاهری عبادات.

در نهج البلاغه، ایمان به مثابه بنیان حیات معنوی انسان تبیین شده است. امام علی (ع) با ترسیم رابطه درهم تنیده ایمان و عمل، ایمان را عامل شکل گیری منش اخلاقی و اجتماعی و عمل را نشانه پویایی و رشد ایمان می داند. در این نگرش، ایمان با مؤلفه هایی چون حیا، صبر، صداقت و تقوا (اعمال) معنا می یابد و این صفات، پیامد ایمان و معیار عینی آن است. بر این اساس رستگاری حاصل تداوم ایمان در عرصه عمل است؛ ایمانی که از معرفت آغاز می شود، در گفتار و کردار تجلی می یابد و در نهایت به پاکی نفس و قرب الهی منتهی می گردد. نهج البلاغه با تأکید بر پیوند معرفت، اقرار و عمل، ایمان را حقیقتی پویا می داند که انسان را از سطح باور ذهنی به مرحله زیست مؤنانه و اخلاقی ارتقا می دهد.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، ایمان و عمل دو ساحت یک حقیقت واحدند که در تعامل متقابل، مسیر رستگاری انسان را می سازند. ایمان سرچشمه انگیزش درونی برای عمل صالح و عمل صالح، موجب استحکام و پایداری ایمان می شود. در این فرایند، رستگاری هدفی منفعل و بیرونی نیست، بلکه ثمره سیر تدریجی ایمان در وجود انسان است؛ فرایندی که در آن باور درونی به رفتار اخلاقی و عبادی تبدیل می شود و رفتار، زمینه تعالی بیشتر ایمان را فراهم می آورد. چنین نگرشی، الگوی جامع و پویایی از انسان مؤمن ارائه می دهد که در آن، رستگاری محصول هم افزایی معرفت، اراده و عمل است. از این منظر، ایمان راستین نه در خلأ ذهنی بلکه در عرصه کنش اخلاقی و اجتماعی تحقق می یابد و رستگاری، نقطه تلاقی باور درونی با زیست مسئولانه و الهی انسان است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، (مصحح: هارون، عبدالسلام محمد)، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۳. ابن میثم، میثم بن علی، (۱۳۷۵)، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴. ابن میثم، میثم بن علی، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب.
۵. ابن میثم، میثم بن علی، (۱۴۰۶ ق)، قواعد المرام فی علم الکلام، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۶. ایزوتسو، توشی هیکو، (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، (ترجمه: احمد آرام)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. ایزوتسو، توشی هیکو، (۱۳۷۸)، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، (ترجمه: زهرا پورسینا) تهران: نشر سروش.
۸. بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین، (۱۳۷۵)، حقائق الحقائق، قم: بنیاد نهج البلاغه.
۹. تفتازانی، سعدالدین مسعود، (۱۴۱۲ ق)، شرح المقاصد، (تحقیق: عبدالرحمن عمیره)، قم: الشریف الرضی.
۱۰. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: بی‌نا.
۱۱. جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۱۲. جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، (تحقیق: علی اسلامی)، قم: نشر اسراء.
۱۳. حمصی رازی، سدید آلدین، (۱۴۱۲ ق)، *المنقذ من التقليد*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت: دارالعلم الدارالشامیة.
۱۵. صاحب بن عباد، اسماعیل، (۱۴۱۴ ق)، *المحیط فی اللغة*، (مصحح: محمد حسن آل یاسین)، بیروت: عالم الکتب.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، (ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی)، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، (مصحح: احمد حسینی اشکوری)، تهران: نشر مرتضوی.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، *العين*، قم: نشر هجرت.
۱۹. فضل الله سید محمد حسین، (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
۲۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، (۱۴۲۲ ق)، *شرح اصول الخمسه*، (تصحیح: سمیر مصطفی رباب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی. المنقذ من التقليد
۲۲. مغنیه، محمد جواد، (۱۹۷۹)، *فی ظلال نهج البلاغه*، بیروت: دار العلم للملایین.
۲۳. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق)، *تفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵)، *پیام امام امیر المؤمنین^(ع)*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۶. موسوی، عباس علی، (۱۴۱۸ ق)، *شرح نهج البلاغه*، بیروت: دار الرسول الاکرم^(ص).

۲۷. مهدوی دامغانی، محمود، (۱۳۷۹)، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تهران: نشر نی.

۲۸. مهنا، علی عبدالله، (۱۴۱۳)، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۹. نواب لاهیجی، محمد باقر بن محمود، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، تهران: اخوان کتابچی.

۳۰. هاشمی خویی، حبیب الله بن محمد، (۱۴۰۰)، منهاج البراعة، تهران: مکتبه الاسلامیه.